

کاربرد تحلیل هم‌رخدادی واژگان در بررسی قلمرو معنایی مشترک میان دو دیدگاه نظری (مورد مطالعه: قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی)^۱

مدیریت

اطلاعات

دوره ۵، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۸

مجتبی تلافی داریانی

دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت کسب‌وکار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت،

دانشگاه تهران، تهران، ایران

علی حیدری^۲

استادیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

نسترن حاجی حیدری

دانشیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده: تحلیل هم‌رخدادی واژگان یکی از روش‌های متن‌کاوی است که کاربردهای مختلفی در زمینه مدیریت اطلاعات دارد. یکی از این کاربردها که کمتر مورد توجه بوده است، بررسی قلمرو معنایی مشترک میان دیدگاه‌های نظری مختلف است. اهمیت این کارکرد از آن جهت است که روندهای علمی اخیر در حوزه‌های پژوهشی مختلف عموماً از ترکیب نظریه‌ها و مفاهیم گوناگونی شکل گرفته‌اند. بر این مبنای پژوهش حاضر در تلاش است تا کاربردپذیری تحلیل هم‌رخدادی واژگان را در بررسی قلمرو معنایی مشترک میان دو دیدگاه نظری نشان دهد. برای این منظور دیدگاه‌های قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی به‌عنوان مورد مطالعه انتخاب گردیدند. قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی از هم‌آیی قابل توجهی در مطالعات اخیر حوزه مدیریت استراتژیک برخوردار بوده‌اند، به حدی که پژوهشگران از آن‌ها به‌عنوان دو دیدگاه ادغام‌پذیر یاد کرده‌اند. بر همین اساس، هدف این مطالعه بررسی ساختار قلمرو معنایی مشترک بین قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی است. به این منظور، با استفاده از تحلیل هم‌رخدادی واژگان، به واریسی بخش‌های عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های مستندات علمی که تا سال ۲۰۱۸ در پایگاه داده‌های وب‌آوساینس یا اسکوپوس نمایه شده و در این بخش‌ها به هر دو نظریه اشاره داشته‌اند، پرداخته شد. در نتیجه، ۱۴ عنوان مشتمل بر (۱) قابلیت‌های پویا و عناصر آن، (۲) دوسوتوانی و عناصر آن، (۳) عملکرد، (۴) نوآوری، (۵) قابلیت‌ها و منابع سازمانی، (۶) مزیت رقابتی پایدار، (۷) دانش و یادگیری سازمانی، (۸) تغییرات محیطی و سازمانی، (۹) فناوری و فناوری اطلاعات، (۱۰) رهبری، (۱۱) کارآفرینی، (۱۲) شبکه‌های همکاری، (۱۳) مدل کسب‌وکار و (۱۴) عملیات و زنجیره تأمین به‌عنوان طبقات مفهومی اصلی در قلمرو مشترک این دو دیدگاه معرفی گردید. همچنین، بر اساس تحلیل زمانی واژگان، سیر مطالعاتی جاری میان این طبقات مفهومی نیز به معرض نمایش درآمد. بر این اساس، می‌توان پیش‌بینی نمود که افق آینده تحقیقاتی که در قلمرو مشترک قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی شکل می‌گیرند، بیشتر به سمت موضوعاتی نظیر مدل کسب‌وکار، مدیریت عملیات و زنجیره تأمین و کارآفرینی متمایل گردد.

کلیدواژه‌ها: دوسوتوانی، تحلیل هم‌رخدادی واژگان، قابلیت‌های پویا، متن‌کاوی، هم‌آیی دیدگاه‌های نظری.

۱. این مقاله بخشی از نتایج پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

مقدمه

تحلیل هم‌رخدادی واژگان^۱ یکی از روش‌های مرسوم متن‌کاوی است که از کاربردهای فراوانی در حوزه مدیریت اطلاعات برخوردار است. از جمله این کاربردها می‌توان به ترسیم نقشه علمی (سلطانی زرندی، نگهبان و مکی زاده ۱۳۹۵)، بررسی تغییرات یک حوزه پژوهشی (خلیلی جعفرآباد ۱۳۹۶) و شناخت و تحلیل روند تحقیقات در یک حوزه علمی (خطیر، محبی و گنجه فر ۱۳۹۷) اشاره نمود. یکی از کاربردهای تحلیل هم‌رخدادی واژگان که کمتر مورد توجه قرار داشته است، استفاده از این روش در بررسی قلمرو معنایی مشترک میان دو یا چند دیدگاه نظری مختلف است. در واقع، در سال‌های اخیر معمولاً شاهد آن بوده‌ایم که محققان از تحلیل هم‌رخدادی واژگان برای دستیابی به اهداف اطلاع‌سنجی^۲ (مانند شناسایی و تحلیل حوزه‌های دانشی و روندهای پژوهشی) در یک حوزه مطالعاتی خاص استفاده کرده‌اند (مانند: Hajiheydari, Talafidaryani, Khabiri and Salehi 2019)؛ اما کمتر به بررسی اشتراک نظری حوزه‌های علمی مختلف پرداخته‌اند. به عبارت دقیق‌تر، می‌توان بیان نمود که مطابق جستجوهای انجام‌گرفته در منابع علمی در دسترس توسط پژوهشگران این اثر، تاکنون پژوهشی که با استفاده از تحلیل هم‌رخدادی واژگان به بررسی قلمرو معنایی مشترک میان دو یا چند دیدگاه نظری مختلف پرداخته باشد، انجام‌نشده است. حال آن‌که چنین تحلیل‌هایی می‌تواند ابعاد جدیدی از حوزه‌ها و روندهای تحقیقاتی را برملا سازد. در واقع، این‌طور به نظر می‌رسد که بخشی از دانش متعلق به یک حوزه پژوهشی در اشتراک آن حوزه با سایر زمینه‌ها در حال رشد و توسعه است که در محدوده هم‌پوشانی این حوزه‌ها با یکدیگر پنهان مانده است. این مطلب در مورد دیدگاه‌های نظری بیش از سایر موضوعات صدق می‌کند؛ چراکه در سال‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم که حوزه‌های پژوهشی مختلف عموماً از ماهیت میان‌رشته‌ای برخوردار بوده و ترکیب دیدگاه‌های نظری مختلف از رشته‌های مختلف، چشم‌اندازهای نوظهور را در این حوزه‌ها سبب گردیده است. بر همین اساس، تحقیق حاضر مأموریت اصلی خود را به نمایش درآوردن کاربرد تحلیل هم‌رخدادی واژگان در بررسی قلمرو معنایی مشترک میان دیدگاه‌های نظری مختلف می‌داند. به این منظور نیز دیدگاه‌های قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی به‌عنوان مورد مطالعه انتخاب گردیده‌اند. در ادامه این بخش، دلیل و مبنای این انتخاب تشریح گشته است. با توجه به آنکه در ادبیات مدیریت اطلاعات در پرداختن به کاربرد تحلیل هم‌رخدادی واژگان برای بررسی اشتراک نظری دو یا چند تئوری یا دیدگاه مختلف یک خلأ پژوهشی وجود دارد، بنابراین پژوهش حاضر با انجام مأموریت خود می‌تواند در راستای پر کردن این خلأ سهمی واقع گردد. دیدگاه قابلیت‌های پویا بدون شک یکی از مهم‌ترین نظریه‌های سازمانی در زمینه کسب‌وکار و مدیریت محسوب می‌گردد (تلافی داریانی ۱۳۹۸). در سال‌های اخیر، مطالعات حوزه مدیریت استراتژیک قابلیت‌های پویا^۳ - توانایی سازمان برای یکپارچه‌سازی، ایجاد و بازپیکربندی شایستگی‌های درونی و بیرونی به‌منظور مواجهه با محیط‌های به‌سرعت در حال تغییر (Teece, Pisano, and Shuen 1997) - را به‌عنوان یک محرک مهم برای مزیت رقابتی پایدار شناسایی نموده است (Wilhelm, Schlömer, and Maurer)

1. Word Co-Occurrence Analysis
2. Informetrics
3. Dynamic Capabilities

2015). در واقع، به دلیل آن که قابلیت‌های پویای نیرومند یک منبع منحصر به فرد، ارزشمند و همه‌منظوره به‌شمار می‌رود، می‌توان آن را به‌عنوان زیربنای مزیت رقابتی پایدار برای بنگاه در نظر گرفت (Teece 2018). همچنین دوسوتوانی^۱ - توانایی سازمان در مدیریت هم‌راستا و کارای تقاضاهای امروزی کسب‌وکار و انطباق هم‌زمان با تغییرات محیط (Raisch and Birkinshaw 2008) - به‌عنوان محرک اصلی در احیای بنگاه و عملکرد بلندمدت آن مطرح است (Zimmermann, Raisch, and Cardinal 2018). به‌عبارت‌دیگر، سازمان دوسوتوان سازمانی است که در بهره‌برداری از شایستگی‌های کنونی و اکتشاف فرصت‌های جدید به یک‌میزان توانمند بوده و از این طریق عملکرد و رقابت‌پذیری خود را بهبود می‌بخشد (Cao, Gedajlovic, and Zhang 2009)؛ بنابراین می‌توان بیان نمود که پرداختن به دیدگاه‌های قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی در ردیف تلاش برای کسب مزیت رقابتی پایدار برای بنگاه و بهبود عملکرد بلندمدت آن قرار می‌گیرد. اهمیت موضوع زمانی کاملاً روشن می‌گردد که بدانیم پژوهش‌های مدیریت استراتژیک بر محور پاسخ‌گویی به چگونگی کسب مزیت رقابتی شکل گرفته‌اند و در اکثر آن‌ها به‌منظور عملیاتی کردن مفهوم مزیت رقابتی، به‌عنوان اصلی‌ترین متغیر وابسته در مطالعات راهبردی، از عملکرد سازمانی بهره برده‌اند (حیدری و سیدکلالی ۱۳۹۵)؛ بنابراین طبیعتاً تئوری‌هایی که برای این چگونگی، پاسخی مناسب ارائه نموده باشند، از اهمیت قابل توجهی در مدیریت استراتژیک برخوردار هستند.

در همین راستا، شایان‌ذکر است که در ادبیات کنونی مرتبط با این دو دیدگاه، دوسوتوانی یک قابلیت پویا محسوب می‌گردد (Nosella, Cantarello, and Filippini 2012)؛ و این در حالی است که مبدأ مفهوم‌پردازی‌ها پیرامون قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی کاملاً مستقل از یکدیگر بوده‌اند. اربلی و تاشمن^۲ (۲۰۰۸) پس از طرح این پرسش که سازمان‌ها چگونه می‌توانند در مواجهه با تغییرات به حیات خود ادامه دهند؟ به قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی اشاره نموده و از آن‌ها به‌عنوان دیدگاه‌هایی ادغام‌پذیر که درباره یادگیری بنگاه‌ها برای انطباق با محیط در حال تغییر بحث می‌نمایند، یاد کرده‌اند؛ بنابراین در ارتباط با این پرسش توضیح داده‌اند که دوسوتوانی چگونه می‌تواند به‌عنوان یک قابلیت پویا عمل نماید؛ اما علی‌رغم آن که چنین قرابت مفهومی بین قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی وجود دارد، هنوز ارتباط بین این مفاهیم به‌درستی مورد کاوش قرار نگرفته است (Jurksiene and Pundziene 2016)؛ بنابراین لازم می‌نماید تا در یک پژوهش مستقل به باخوانی ارتباط انتزاعی این دو دیدگاه با یکدیگر و ارائه ساختار قلمرو معنایی مشترک میان آن‌ها پرداخته شود. برکینشاو، زیمرمن و ریش^۳ (۲۰۱۶) در مطالعه خود بیان نموده‌اند که همراه نمودن دو دیدگاه نظری قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی با یکدیگر و ادغام مفهومی آن‌ها سبب می‌گردد که تمرکز دقیق‌تری بر چالش‌های کلیدی سازمان‌ها در مواجهه و انطباق با تغییرات مداوم حاصل شود.

با توجه به چنین اهمیتی و همچنین با عنایت به خلأ پژوهشی موجود در این مسئله، هدف اصلی مطالعه حاضر آن است که به بررسی توأمان این دو دیدگاه پرداخته و در نهایت ساختار قلمرو معنایی مشترک بین ادبیات قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی را نمایان سازد. در پی این نمایان‌سازی، انتظار می‌رود که طبقات

1. Ambidexterity
2. O'Reilly and Tushman
3. Birkinshaw, Zimmermann And Raisch

مفهومی کلیدی در ساختار به‌دست‌آمده و اجزای تشکیل‌دهنده این طبقات، ارتباط معنایی طبقات مفهومی و اجزای آن‌ها با یکدیگر و همچنین روند مطالعاتی مشترک بین تئوری‌های قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی شناسایی گردد. این اهداف را می‌توان در قالب سؤال‌های اصلی زیر نیز خلاصه نمود:

۱. طبقات مفهومی مستتر در قلمرو معنایی مشترک بین ادبیات قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی کدامند؟
۲. چگونه می‌توان این طبقات مفهومی و ارتباط میان آن‌ها را در یک چارچوب انتزاعی یکپارچه به تصویر کشید؟
۳. روند مطالعاتی مشترک بین ادبیات قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی، بر اساس طبقات مفهومی به‌دست‌آمده چگونه است؟

سهم پژوهشی این مطالعه از آن‌جهت است که در میان پژوهش‌های پیشین، تحقیقی که تئوری‌های قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی را در یک مطالعه با یکدیگر همراه نموده و با استفاده از روش‌های نظام‌مند به‌مرور ادبیات مشترک آن‌ها پرداخته باشد، قابل‌ملاحظه نیست. البته شایان‌ذکر است که در این مطالعه به‌منظور ترسیم ساختار دانش مشترک بین این دو دیدگاه از رویکرد متن‌کاوی استفاده شده است که بر این اساس می‌توان علاوه بر مسئله پژوهشی موردبررسی، روش تحقیق را نیز نوآورانه دانست. ادامه مطالب این مقاله به این صورت سازمان‌دهی شده است که در اولین بخش بعد از مقدمه، پیشینه پژوهش ارائه گردیده است. سپس در بخش بعدی، روش مورداستفاده در این تحقیق تشریح شده است. بعد از روش‌شناسی نیز به توضیح یافته‌های پژوهش و در قسمت آخر نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی ارائه شده است.

پیشینه پژوهش

علی‌رغم آن‌که تعدادی پژوهش وجود دارد که با استفاده از تکنیک‌های مختلف علم‌سنجی و متن‌کاوی، تنها به‌مرور زمینه مطالعاتی قابلیت‌های پویا (Albort-Morant, Leal-Rodríguez, Fernández- Rodríguez and Ariza-Montes 2018; Batista Mota, Damasceno Pinto, Paranhos and Hasenclever 2017; Di Stefano, Peteraf, and Verona 2010; Fernandes, Ferreira, Raposo, Estevão, Peris-Ortiz and Rueda-Armengot 2017; Vogel and Güttel 2013; García-Lillo, Úbeda-García, and Marco-Lajara 2016; 2017; Nosella, Cantarello, and Filippini 2012; Popadić and Milohnić 2016; Snehrat, S., Kumar, A., Kumar, R., and Dutta 2018) پرداخته‌اند؛ اما تحقیقی که با به‌کارگیری چنین روش‌هایی، قلمرو مشترک این دیدگاه‌ها را موردبررسی قرار داده باشد، یافت نشد. حتی مطالعه‌ای که از روش‌های کیفی نظام‌مند برای مرور همه‌جانبه این ادبیات بهره برده باشد نیز در بین پژوهش‌های پیشین قابل‌ملاحظه نیست. در ادامه به تعداد معدودی پژوهش اشاره می‌گردد که برخی از آن‌ها (Jurksiene and Pundziene 2016; O'Reilly III and Tushman 2008) با تکیه بر رویکرد تحلیلی-توصیفی و برخی دیگر (Birkinshaw, Zimmermann,)

(and Raisch 2016; Dutta 2012) با استفاده از روش مطالعه موردی به مفهوم‌پردازی مشترک پیرامون

تئوری‌های قابلیت‌های پویا و دوستوانی و بررسی پیوند معنایی میان آن‌ها اقدام نموده‌اند.

اریلی و تاشمن (۲۰۰۸) در مطالعه نظری خود، به‌مرور و یکپارچه کردن جریان‌های پژوهشی مربوط به دیدگاه‌های قابلیت‌های پویا و دوستوانی پرداخته‌اند. آن‌ها تعدادی گزاره را شناسایی نمودند که نحوه عمل نمودن دوستوانی به‌عنوان یک قابلیت پویا را تبیین می‌نمایند. این گزاره‌ها که بر مبنای شواهد تجربی موجود استنتاج شدند، عناصر پایه‌ای دیدگاه دوستوانی به‌عنوان یک قابلیت پویا به‌شمار می‌روند و شرایطی را تشریح می‌کنند که در آن احتمالاً دوستوانی سازمانی محقق خواهد شد. بهره‌مندی از نیت استراتژیک واضح، چشم‌انداز و ارزش‌های همه‌سونگر، تیم ارشد هم‌نظر و هم‌سو، معماری سازمانی مناسب و برخوردار از یکپارچگی هدفمند و تیم ارشد توانا در مدیریت تنش‌ها و تعارض‌های اجتناب‌ناپذیر از جمله مواردی است که در گزاره‌های گزارش‌شده مورد توجه قرار داشته‌اند. دوتا (۲۰۱۲) با استفاده از مطالعه موردی سازمان‌ها، این دغدغه را که قابلیت‌های پویا چگونه می‌تواند ایجاد شود تا دوستوانی سازمانی حاصل گردد، مورد بررسی قرار داده است. وی در پژوهش خود همچنین به این سؤالات پاسخ داده است که سازمان‌های بزرگ چگونه بین جنبه‌های متعارض مدیریتی تعادل برقرار می‌کنند؟ چگونه آن‌ها به سمت استفاده از قابلیت‌ها در دنیای پویا حرکت می‌کنند؟ سازمان‌ها در فرآیند پیشرفت برای دستیابی به نوآوری‌هایی که فراتر از محصولات و بازارهای فعلی خود است، با چه چالش‌هایی مواجه هستند؟ و از چه نوع قابلیت‌هایی استفاده می‌کنند تا به بهترین نتایج دست یابند؟ برکینشاو، زیمرمن و ریش (۲۰۱۶) به ادغام مفهومی دیدگاه‌های قابلیت‌های پویا و دوستوانی مبادرت نموده‌اند تا در نهایت مشخص گردد که سازمان‌ها چگونه با تغییرات دائمی سازگار می‌شوند. این محققان بر اساس بررسی تطبیقی سه مطالعه موردی طولی^۱، سه نوع سازگاری مشتمل بر جدایی ساختاری^۲، یکپارچگی رفتاری^۳ و تغییر متوالی^۴ را در نظر گرفتند و بیان نمودند که بنا بر نوع سازگاری مورد نیاز، مجموعه قابلیت‌های مشخصی ضرورت پیدا می‌کند؛ بنابراین نمی‌توان یک مجموعه کلی و عمومی از قابلیت‌های پویا معرفی نمود؛ بلکه باید نسبت به آن‌ها دیدگاه اقتضایی داشت. به‌عبارت‌دیگر، نتایج نمایان ساخت که هر حالت خاصی از سازگاری، مجموعه مرتبگی از قابلیت‌های پویا را می‌طلبد که به آن حالت خاص اختصاص دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که حالت‌های مختلف سازگاری بنا بر سطح سازمانی مربوط به قابلیت‌های حس کردن^۵ و ربایش^۶ و همچنین نوع بازپیکربندی^۷ مورد نیاز ایجاد می‌گردد. علاوه بر این، نوع سازگاری با چشم‌انداز غالب، فرهنگ و مدل توسعه کارکنان نیز ارتباط دارد. جرکساین و پوندزین (۲۰۱۶) در مطالعه تحلیلی-توصیفی خود، با این استدلال که هنوز رابطه بین مفاهیم قابلیت‌های پویا و دوستوانی به‌خوبی مورد کاوش قرار نگرفته است، به‌مرور مبنای نظری قابلیت‌های پویا و دوستوانی در بستر مزیت رقابتی بنگاه پرداخته و سپس از ارتباط آن‌ها با یکدیگر پرده‌برداری نموده‌اند. این

1. Longitudinal
2. Structural Separation
3. Behavioral Integration
4. Sequential Alternation
5. Sensing
6. Seizing
7. Reconfiguring

محققان درباره یافته‌های نظری خود بیان داشته‌اند که دوستوانی سازمانی را می‌توان به‌عنوان یک میانجی در ارتباط بین قابلیت‌های پویا و مزیت رقابتی بنگاه در نظر گرفت.

بنابراین به‌عنوان جمع‌بندی پیشینه می‌توان بیان نمود که پژوهش حاضر هم از نظر موضوعی و هم از نظر روش‌شناسی دارای نوآوری برجسته و قابل توجهی است، به‌طوری‌که از میان مطالعات گذشته مرتبط‌ترین آن‌ها با این پژوهش مواردی هستند که تنها با استفاده از روش‌هایی نظیر مطالعه نظری یا مطالعه موردی به ایده پردازی حول هر دو تئوری قابلیت‌های پویا و دوستوانی پرداخته‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

در این تحقیق، از تحلیل هم‌رخدادی واژگان^۱ یا تحلیل هم‌واژگانی^۲ که یکی از تکنیک‌های متن‌کاوی محسوب می‌شود، به‌منظور تحلیل محتوای بخش عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های مطالعات مرتبط با قابلیت‌های پویا و دوستوانی استفاده شده است. استفاده از رویکرد متن‌کاوی سبب می‌گردد که از صرف مدت‌زمان طولانی برای بهره‌مندی از روش‌های کیفی مرسوم پرهیز و حجم قابل توجهی از مستندات را در اسرع وقت و با کارایی لازم تحلیل شود (تلافی داریانی، شجاعی و طاهری ۱۳۹۷). همچنین لازم به ذکر است عموم تحقیقاتی که از تکنیک‌های متن‌کاوی برای دستیابی به اهداف علم‌سنجی در یک حوزه علمی استفاده کرده‌اند، تحلیل هم‌واژگانی را به‌عنوان روش تحقیق خود به کار گرفته‌اند (خطیر، محبی و گنج‌فر ۱۳۹۷). در پژوهش‌هایی که از تحلیل هم‌رخدادی واژگان بهره می‌برند، به طیف بسیار وسیعی از مسائل مختلف پرداخته می‌شود که نمونه‌هایی از این مسائل عبارت‌اند از: یافتن ارتباطات مفهومی پنهان در یک حوزه از علم، بررسی نحوه توسعه یک نظریه خاص در یک دوره زمانی، آشکارسازی جهت‌گیری‌های پژوهشی یک حوزه علمی خاص، شناسایی موضوعات برجسته در یک زمینه مطالعاتی، کشف موضوعات موردعلاقه و مفاهیم غالب در آثار پژوهشگران (سلطانی زرنندی، نگهبان و مکی زاده ۱۳۹۵)، کشف زیر حوزه‌های یک حوزه از علم، ارزیابی میزان میان‌رشته‌ای بودن یک حوزه علمی و زیر حوزه‌های آن (خلیلی جعفرآباد ۱۳۹۶)، شناسایی مهم‌ترین مسائل مطرح در یک مجموعه از اسناد، دسته‌بندی این مسائل و مطالعه تطبیقی آن‌ها (تلافی داریانی، شجاعی و طاهری ۱۳۹۷) و بررسی روند تحقیقات یک حوزه علمی در بازه‌های زمانی مختلف (خطیر، محبی و گنج‌فر ۱۳۹۷).

از نظر روش‌شناسی، ایده اصلی تکنیک هم‌واژگانی بر این مبنا استوار است که هم‌رخدادی واژگان مهم، ارتباط میان محتویات مجموعه مشخصی از مستندات را توصیف می‌نماید (Callon, Courtial, and Laville 1991). طبق این روش، اگر دو عبارت به‌طور هم‌زمان در پژوهش‌های یکسانی ظاهر شده باشند، دو موضوعی که در تحقیقات ذکر شده‌اند و این عبارات نماینده آن‌ها به‌شمار می‌روند، با یکدیگر همبستگی دارند (Cho 2014). در این حالت، دفعات هم‌رخدادی بیشتر بین دو واژه به این معنا است که ارتباط نزدیکی میان آن‌ها برقرار است (Ding, Chowdhury, and Foo 2001)؛ بنابراین از این طریق می‌توان

1. Word Co-Occurrence Analysis

2. Co-Word Analysis

الگوها و روندهای پژوهشی در زمینه یا زمینه‌های مدنظر را مورد بررسی قرار داد (Yan, Lee, and Lee 2015).

در اولین گام از فرآیند اجرایی این مطالعه، به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته شد. به این منظور، با استفاده از عبارت‌های *dynamic capabilit* و *ambidext* که به‌واسطه عملگر AND با یکدیگر همراه شدند، به جست‌وجوی توأمان در پایگاه داده‌های علمی وب‌آوساینس^۱ و اسکوپوس^۲ پرداخته شد و از تمام مستندات^۳ که تا تاریخ ۳ سپتامبر ۲۰۱۸ در این پایگاه داده‌ها نمایه شده‌اند و در بخش عنوان، چکیده یا کلیدواژه‌های خود حاوی عبارت‌های جست‌وجو هستند، گزارش گرفته شد. در نهایت، پس از حذف موارد تکراری تعداد ۲۷۵ مستند علمی مشتمل بر انواع مختلفی از جمله مقاله پژوهشی، مقاله کنفرانسی و فصل کتاب گردید. پس از گردآوری مجموعه داده اولیه، مشخصه‌های عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های مستندات انتخاب شدند تا از آن‌ها به‌عنوان داده‌های متنی در تحلیل استفاده گردد. سپس، این داده‌های متنی وارد نرم‌افزار وس‌ویور^۴ گردید تا با بهره‌گیری از این ابزار، تحلیل هم‌واژگانی اجرا شود؛ بنابراین در این پژوهش، مجموعه مشخصه‌های عنوان، چکیده و کلیدواژه‌ها، به‌عنوان مبنا و واحد تحلیل برای محاسبه هم‌رخدادی‌ها در نظر گرفته شده است.

فرآیند متن‌کاوی در نرم‌افزار وس‌ویور، به‌منظور ترسیم شبکه هم‌رخدادی عبارت‌ها، به این صورت قابل تشریح است (Van Eck and Waltman 2011; 2014): این نرم‌افزار در ابتدا با استفاده از ابزار پردازش زبان طبیعی^۴ به شناسایی افعال، اسم‌ها، صفات و سایر بخش‌های متن می‌پردازد. سپس با استفاده از یک فیلتر زبان‌شناسی، عبارت‌های اسمی را تشخیص می‌دهد. این فیلتر فقط عبارت‌هایی را انتخاب می‌کند که مشتمل بر اسامی و صفات بوده و به یک اسم ختم شده باشد. همچنین عبارت‌های اسمی جمع را نیز به حالت مفرد تبدیل می‌نماید. در گام بعدی، برای هر یک از عبارت‌های اسمی شناسایی شده یک امتیاز ارتباط^۵ محاسبه می‌گردد تا به‌این ترتیب عبارت‌های معنادار از موارد غیر معنادار شناسایی گردد. در واقع، عبارت‌هایی که از امتیاز ارتباط بالا برخوردار باشند، معمولاً دارای معنای ویژه و خاصی هستند. در عوض، آن‌هایی که امتیاز ارتباطشان پایین باشد، غالباً دارای معانی کلی و عمومی هستند. در نهایت نیز نرم‌افزار، به نگاشت^۶ عبارت‌ها و ارائه آن‌ها در یک شبکه بصری اقدام می‌نماید. در ضمن، نرم‌افزار وس‌ویور این امکان را نیز فراهم می‌کند که با تهیه و ارائه یک فایل اصطلاح‌نامه^۷، به ترکیب و ادغام عبارات مشابه با یکدیگر پرداخت و یا اینکه عبارات غیر معنادار را حذف نمود. در این پژوهش با استفاده از این امکان به پیش‌پردازش و پاک‌سازی داده‌ها پرداخته شد تا کیفیت شبکه نهایی بهبود یابد.

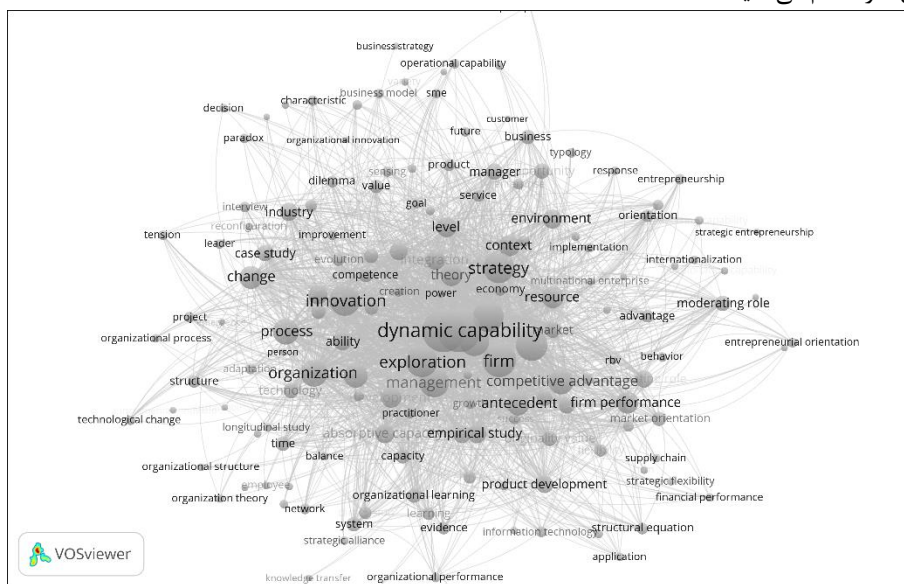
درباره نگاشت واژگان نیز باید بیان نمود که نرم‌افزار وس‌ویور به‌گونه‌ای عبارت‌ها را در یک فضای کم‌حجم دوبعدی می‌نگارد که فاصله بین دو عبارت تا حد ممکن میزان ارتباط آن‌ها با یکدیگر را نمایش

1. Web of Science
2. Scopus
3. VOSviewer
4. Natural Language Processing (NLP)
5. Relevance Score
6. Mapping
7. Thesaurus

دهد. برای این منظور، نرم‌افزار از این ایده بهره می‌برد که مجموع وزنی مربعات فواصل بین هر جفت از عبارات می‌بایست کمینه گردد. در این حالت، مربع فاصله بین دو عبارت بنا بر میزان ارتباط آن‌ها با یکدیگر (شاخص تشابه^۱)، وزن دار شده است (Van Eck, Waltman, Dekker and van den Berg 2010).

یافته‌های پژوهش

در شکل ۱ می‌توان شبکه هم‌رخدادی عبارات پررخداد را ملاحظه نمود. در ترسیم این شبکه حدوداً از تعداد ۱۵۰ عبارت که بیشترین دفعات رخداد را داشته‌اند، استفاده شده است. در شبکه هم‌رخدادی واژگان، اندازه گره‌ها (واژگان) بر اساس تعداد رخداد آن‌ها در داده‌های متنی تعیین گردیده است. به این ترتیب می‌توان ادعا نمود که عبارات بزرگ‌تر دارای اهمیت بیشتری در مستندات مورد تحلیل هستند. علاوه بر این، فاصله بین واژگان در شبکه، نشان‌دهنده میزان ارتباط آن‌ها با یکدیگر است؛ به طوری که دو عبارت نزدیک به هم از ارتباط و نزدیکی معنایی خوبی نیز در مستندات مورد تحلیل برخوردار هستند. همچنین لازم به ذکر است که خطوط موجود در شبکه هم‌رخدادی، یال‌هایی هستند که با اتصال دو گره به یکدیگر هم‌رخدادی آن‌ها را اعلام می‌نمایند.



شکل ۱. شبکه هم‌رخدادی عبارات پررخداد

در نخستین گام از تحلیل شبکه هم‌رخدادی واژگان می‌توان به عبارت‌های کلیدی (بسیار پررخداد) شبکه و ارتباطاتشان با یکدیگر توجه داشته و در نتیجه به دسته‌بندی موضوعی آن‌ها اقدام نمود. این امر سبب می‌گردد تا با تکیه بر دانش خبرگی، طبقات مفهومی مستتر در قلمرو معنایی مشترک بین ادبیات قابلیت‌های

پویا و دوستوانی به خوبی شناسایی گردد. در جدول ۱ می‌توان تعدادی از عبارتهای بسیار پررخداد در مستندات پژوهشی مورد مطالعه را که به ترتیب دفعات رخدادشان ارائه شده‌اند، ملاحظه نمود. در ادامه، توضیحات مربوط به هر یک از طبقات مفهومی شناسایی شده در حوزه اشتراکی قابلیت‌های پویا و دوستوانی ارائه گردیده است. هر یک از این طبقات به مثابه یک جزء حیاتی در نقشه دانش مشترک بین قابلیت‌های پویا و دوستوانی به شمار می‌روند؛ به طوری که حذف یکی از آن‌ها، ساختار معنایی این حوزه را معیوب می‌نماید.

جدول ۱. عبارتهای بسیار پررخداد در مستندات پژوهشی مورد مطالعه به ترتیب دفعات رخداد

رتبه	عبارت	رتبه	عبارت	رتبه	عبارت
۱	dynamic capability	۱۱	organization	۲۱	development
۲	ambidexterity	۱۲	process	۲۲	level
۳	firm	۱۳	competitive advantage	۲۳	empirical study
۴	performance	۱۴	knowledge	۲۴	integration
۵	exploration	۱۵	change	۲۵	absorptive capacity
۶	innovation	۱۶	antecedent	۲۶	environment
۷	exploitation	۱۷	theory	۲۷	practice
۸	strategy	۱۸	firm performance	۲۸	ability
۹	capability	۱۹	resource	۲۹	company
۱۰	management	۲۰	context	۳۰	industry

● **قابلیت‌های پویا و عناصر آن:** با توجه به آن که هدف این پژوهش، تحلیل هم‌رخدادی قابلیت‌های پویا و دوستوانی است؛ بنابراین ظاهر شدن «قابلیت پویا» به‌عنوان بزرگ‌ترین عبارت در شبکه هم‌رخدادی واژگان کاملاً طبیعی است. علاوه بر عبارت قابلیت پویا، عناصر تشکیل‌دهنده این سازه نیز در میان واژگان پررخداد حضور دارند که از نظر مفهومی اجزای لاینفک آن به شمار می‌روند. این عناصر عبارت‌اند از: حس کردن، ربایش و پیگیربندی مجدد. البته با بررسی دقیق‌تر فهرست کلمات منتخب و مستندات مورد مطالعه، باید بیان نمود که عبارتهای حس کردن فرصت‌ها و بازپیکربندی منابع نسبت به ربایش از رخداد بیشتری برخوردار هستند که این مسئله به موشکافی بیشتری از جانب محققان احتیاج دارد.

● **دوستوانی و عناصر آن:** مشابه عبارت قابلیت پویا، «دوستوانی» نیز، مطابق انتظار، یکی از گره‌های اصلی شبکه هم‌واژگانی است. علاوه بر دوستوانی، کلمات بهره‌برداری و اکتشاف نیز که جزئی از این مفهوم محسوب می‌گردند، از رخداد قابل توجهی برخوردار هستند. حضور این دو واژه در بالای لیست کلمات پررخداد نمایانگر این حقیقت است که در ادبیات دوستوانی، استفاده از بهره‌برداری و اکتشاف بیش از هر پارادوکس دیگری رواج داشته است. این دو واژه چنان در ادبیات دوستوانی مورد پذیرش واقع شده‌اند که از آن‌ها برای طرح تضاد میان فعالیت‌ها و قابلیت‌های مختلف از جمله نوآوری بهره‌بردارانه در مقابل نوآوری

اکتشاف‌گرایانه (دوسوتوانی نوآوری)، یادگیری بهره‌بردارانه در مقابل یادگیری اکتشاف‌گرایانه (دوسوتوانی یادگیری) و رهبری بهره‌بردارانه در مقابل رهبری اکتشاف‌گرایانه (دوسوتوانی رهبری) استفاده گردیده است؛ به طوری که یک پژوهشگر از طریق ادغام مفاهیم بهره‌برداری و اکتشاف با موضوع موردنظر، به خوبی سهم پژوهش خود در ادبیات دوسوتوانی را نمایان ساخته است. انعطاف و بهره‌وری و همچنین هم‌ترازی و سازگاری نیز پارادوکس‌های مطرح دیگر در ادبیات دوسوتوانی هستند که در شبکه هم‌رخدادی واژگان حضور یافته‌اند، ولی از نظر دفعات رخداد، بعد از بهره‌برداری و اکتشاف قرار دارند. علاوه بر این موارد، توجه به واژه‌های چالش، دوراهی^۱، پارادوکس، تنش، تضاد و تعادل که در بین کلمات پررخداد ظاهر شده‌اند، حائز اهمیت است. در واقع، در ادبیات دوسوتوانی دغدغه اصلی محققان ایجاد تعادل بین دو فعالیت یا قابلیت متعارض با یکدیگر بوده است تا در نتیجه دوسوتوانی حاصل گردد. همچنین در شبکه هم‌آیی واژگان، کلماتی از قبیل زمینه، ساختار و سطح به چشم می‌خورند که ارتباط آن‌ها با دوسوتوانی حائز اهمیت است. در حقیقت این واژگان به ابعاد مفهومی مختلفی در دیدگاه دوسوتوانی اشاره می‌نمایند. ابعادی مانند دوسوتوانی زمینه‌ای، دوسوتوانی ساختاری - که ارتباط تنگاتنگی با عبارات ساختار سازمانی و طراحی سازمانی دارد - و دوسوتوانی در سطح سازمان یا فرد.

● **عملکرد:** واژه «عملکرد» یکی از پررخدادترین واژه‌ها در میان کلمات منتخب است. بر این اساس، می‌توان اذعان نمود که به طور کلی موضوع مدیریت عملکرد یکی از جریان‌های اصلی مرتبط با حوزه قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی به‌شمار می‌رود. با توجه به فهرست کلمات پررخداد و همچنین با مراجعه به متون موردبررسی این نتیجه به دست می‌آید که عملکرد سازمانی، زیرشاخه اصلی مدیریت عملکرد در این حوزه محسوب می‌گردد. عبارت‌هایی مانند عملکرد بنگاه، عملکرد سازمان، عملکرد کسب‌وکار و عملکرد شرکت در همین زیرشاخه قرار می‌گیرند. در واقع، بررسی نحوه اثرگذاری قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی بر عملکرد سازمان یکی از دغدغه‌های اصلی پژوهشگران در این زمینه مطالعاتی بوده است. محققان در خصوص این مسئله به دنبال راستی آزمایی این گزاره بوده‌اند که دوسوتوانی به‌عنوان یک قابلیت پویا، عملکرد بلندمدت بنگاه را بهبود می‌بخشد. همچنین شایان‌ذکر است که عبارت‌های عملکرد مالی، عملکرد نوآوری، عملکرد توسعه محصول جدید، عملکرد تولید، عملکرد سرمایه‌گذاری، عملکرد کارآفرینانه، عملکرد صادرات، عملکرد جهانی‌سازی و بین‌المللی‌سازی، عملکرد پروژه، عملکرد تصمیم‌گیری، عملکرد سیستم‌های اطلاعاتی و سایر موارد، هر یک، نماینده زیرشاخه دیگری از موضوع مدیریت عملکرد هستند که در متون مورد تحلیل به چشم می‌خورند، ولی نسبت به عملکرد سازمانی در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

● **نوآوری:** موضوع نوآوری درهم‌تنیدگی جالب‌توجهی با قلمرو قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی دارد. از یک طرف، ادبیات قابلیت‌های پویا بیان می‌کند که قابلیت نوآوری یک قابلیت پویا یا حداقل یکی از اجزای اصلی ساختار قابلیت‌های پویا محسوب می‌گردد. از طرف دیگر در ادبیات دوسوتوانی، نوآوری یک فعالیت

اکتشافی در مقابل بهبود محسوب می‌گردد که در برخی مواقع معادل اکتشاف نیز معرفی شده است. همچنین عبارت دوسوتوانی نوآوری (نوآوری دوستوان) بیان‌گر آن است که در نگاهی دیگر، نوآوری شامل فعالیت‌های بهره‌بردارانه و اکتشاف‌گرایانه به‌صورت توأمان است. عبارت‌هایی مانند نوآوری تدریجی در مقابل نوآوری رادیکال، نوآوری بهره‌بردارانه در مقابل نوآوری اکتشاف‌گرایانه، نوآوری پیوسته در مقابل نوآوری ناپیوسته که در فهرست کلمات پررخداد یا در متون موردبررسی به چشم می‌خورند، گویای این نوع دوسوتوانی هستند. همچنین در شبکه هم‌رخدادی واژگان عبارت‌هایی مانند نوآوری محصول، نوآوری فناوریانه و نوآوری باز وجود دارند که به انواع و ابعاد مختلف نوآوری اشاره می‌کنند. انواع و ابعادی که در حیطه قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی بیشتر موردتوجه بوده‌اند. این توضیحات تا حد بسیار خوبی حضور واژه «نوآوری» در میان پررخدادترین واژگان را توجیه می‌نماید.

● **قابلیت‌ها و منابع سازمانی:** دوسوتوانی نوعی قابلیت پویا و قابلیت پویا نوعی قابلیت سازمانی به‌شمار می‌رود. به همین دلیل پررخدادبودن واژه «قابلیت» در میان مستندات موردبررسی مبرهن است. علاوه بر این، دیدگاه قابلیت‌های پویا نسخه‌تعمیم‌یافته دیدگاه منبع محور محسوب می‌گردد؛ بنابراین پرواضح است که واژه «منابع» نیز باید یکی از گره‌های بزرگ در شبکه هم‌رخدادی کلمات باشد. البته نتایج به‌دست‌آمده نمایان ساخت که قابلیت‌های سازمانی بسیار بیشتر از منابع سازمانی موردتوجه پژوهشگران در زمینه قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی بوده است. همچنین شایان‌ذکر است که برخی واژه‌ها مانند فرآیند، رویه، مکانیسم، توانایی، ظرفیت، شایستگی، رفتار، قدرت و مهارت ارتباط تنگاتنگی با مفهوم قابلیت دارند که در ادبیات قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی معمولاً در کنار واژه‌هایی مانند تغییر، توسعه، یکپارچه‌سازی، تکامل، خلق، ایجاد، بهبود، پیاده‌سازی، به‌کارگیری و ترکیب مورداستفاده قرار می‌گیرند تا مفهوم‌پردازی‌های مختلفی پیرامون قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی صورت گیرد. علاوه بر این موارد، توجه به این نکته نیز ضروری است که در بین کلمات پررخداد، شاهد حضور عبارت‌های قابلیت پویا، قابلیت عملیاتی (عادی)، قابلیت (ظرفیت) جذب، قابلیت بازاریابی، قابلیت بهره‌برداری و قابلیت نوآوری هستیم که بیان‌گر توجه بیشتر محققان به این قابلیت‌های سازمانی در زمینه دانشی قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی است. البته با رجوع به متون مورد تحلیل این نتیجه نیز به دست می‌آید که در مرتبه بعدی، قابلیت‌هایی نظیر قابلیت‌های دوسوتوانی و ترکیبی، قابلیت مدیریتی، قابلیت فناوری، قابلیت فناوری اطلاعات، قابلیت رهبری، قابلیت حس کردن بازار، قابلیت تطبیق و قابلیت اکتشاف نیز تا حد خوبی موردبررسی پژوهشگران قرار داشته است.

● **مزیت رقابتی پایدار:** محققان قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی را سنگ بنای اصلی کسب مزیت رقابتی پایدار توسط سازمان‌ها می‌دانند. مزیت رقابتی پایدار همان چیزی است که در مدیریت استراتژیک از آن به‌عنوان عامل اصلی بقا و موفقیت یک کسب‌وکار یاد می‌شود. دوسوتوانی سازمانی که یک قابلیت پویا به‌شمار می‌رود تا حد بسیار خوبی از نحوه کسب مزیت رقابتی پایدار توسط بنگاه‌ها در محیط به‌سرعت در حال تغییر کنونی رمزگشایی نموده است. شاید بتوان بیان کرد که مهم‌ترین توجیه پژوهشگران برای پرداختن به موضوع قابلیت‌های پویا و دوسوتوانی، نقش به‌سزای این تئوری‌ها در خلق مزیت رقابتی و

نگهداشت آن در بلندمدت بوده است. به همین سبب شاهد حضور عبارت‌های «مزیت رقابتی» و «پایداری» در فهرست کلمات پررخداد و شبکه هم‌واژگانی هستیم.

● **دانش و یادگیری سازمانی:** دانش و یادگیری سازمانی از جایگاه ویژه‌ای در ادبیات قابلیت‌های پویا و دوستوانی برخوردار هستند. شاید بتوان این‌گونه بیان کرد که کسب دانش جدید از طریق فرآیندهای یادگیری، اصلی‌ترین عنصر قابلیت‌های پویا و محرک اصلی شکل‌گیری دوستوانی سازمانی است. در حقیقت خلق، جذب، یکپارچه‌سازی، بازبیکربندی و انتقال دانش از جمله عناصر تشکیل‌دهنده قابلیت‌های پویا به‌شمار می‌روند. همچنین در مفهوم دوستوانی سازمانی بهره‌برداری و اکتشاف به‌عنوان دو فعالیت یادگیری در نظر گرفته می‌شوند که در بهره‌برداری بر دانش موجود در سازمان و در اکتشاف بر یادگیری دانش جدید خارج از سازمان تأکید می‌گردد. به همین دلیل است که واژه‌های «دانش» و «یادگیری» در بین کلمات پررخداد مستندات بررسی شده قرار گرفته‌اند.

● **تغییرات محیطی و سازمانی:** بهانه اصلی شکل‌گیری و توسعه حوزه دانشی قابلیت‌های پویا و دوستوانی، مواجهه با پویایی‌های بازار و تغییرات سریع محیط خارج از سازمان بوده است. به همین علت واژه‌های «تغییر» و «محیط» از جمله کلمات کلیدی در شبکه هم‌رخدادی واژگان محسوب می‌گردند. در واقع، در این ادبیات، رصد کردن تغییرات محیط کسب‌وکار، انعکاس آن در داخل بنگاه و پاسخ‌گویی به این تحولات، طی فرآیند تغییرات سازمانی، از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین عبارت‌های صنعت، بازار، بازرگاری، تغییرات محیطی، سازگاری و پاسخ در ارتباط با همین مقوله هستند که در فهرست کلمات پررخداد ظاهر شده‌اند. البته عبارت‌هایی مانند پویایی محیطی، بازار پویا، آشفتگی^۱ محیطی، بازار آشفته، عدم قطعیت محیطی، نوسانات^۲ محیطی و مخاطرات و چالش‌های محیطی نیز در همین راستا قرار دارند که در متون مورد بررسی پراکنده هستند.

● **فناوری و فناوری اطلاعات:** در شبکه هم‌رخدادی واژگان عباراتی از قبیل فناوری، فناوری اطلاعات، تحولات فناورانه و سیستم اطلاعاتی وجود دارند که همگی را می‌توان به‌صورت کلی در واژه «فناوری» و به‌طور خاص در عبارت «فناوری اطلاعات» خلاصه نمود. در پی علت‌یابی حضور این عبارات در فهرست موارد پررخداد این نتیجه حاصل گردید که فناوری یکی از توانمندسازهای اصلی سازمان‌ها برای دستیابی به قابلیت‌های پویا و دوستوانی به‌شمار می‌رود. به‌واقع، فناوری اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی نقش بی‌بدیلی در جذب دانش جدید و توسعه فرآیندهای یادگیری سازمانی و در یک‌کلام ایجاد انعطاف در عملیات و دارایی‌های سازمان ایفا می‌نمایند. به‌عبارت‌دیگر، یکی از عوامل اصلی آشفتگی بازارهای کنونی، تغییرات سریع و شدید فناورانه است که تنها با تکیه بر خود فناوری می‌توان از پس این تحولات برآمده و مبانی نظری قابلیت‌های پویا و دوستوانی را عملی ساخت. استفاده از ابزارهای فناوری پایه امکان تحقق هر

یک از اجزای مفهومی قابلیت‌های پویا و دوستوانی از قبیل حس کردن فرصت‌های بازار، ربایش این فرصت‌ها و بازیگر بندی منابع شرکت به منظور سازگاری با پویایی‌های محیط کسب و کار و همچنین پیگیری هم‌زمان بهره‌برداری از دارایی‌های کنونی سازمان و اکتشاف توانمندی‌ها و شایستگی‌های جدید را به خوبی تحقق می‌بخشد.

● **رهبری:** واژه‌های «رهبری» و «رهبر» از جمله کلمات پررخداد در مستندات تحت مطالعه در این پژوهش بوده‌اند. در توضیح این پررخدادی می‌توان بیان نمود که از یک سو، قابلیت رهبری در شمار سایر قابلیت‌های سازمانی قرار می‌گیرد که مطابق دیدگاه‌های قابلیت پویا و دوستوانی نیازمند پیکره‌بندی مجدد برای رقابت‌پذیری بنگاه و رویارویی مدیران با فضای ملتهب خارج از سازمان است؛ و از سوی دیگر، رهبری را می‌توان به‌عنوان رهبر اصلی سازمان در مسیر حرکت به سمت شکل‌دهی قابلیت‌های پویا و دوستوانی در نظر گرفت. در این مسیر، قابلیت رهبری نیز خود باید واجد شرایط دوستوانی گردد تا تبدیل به یک قابلیت پویا شود و در نتیجه از عهده این رهبری برآید. رهبری دوستوان مشتمل بر رفتارهایی است که برای پیروان خود امکان پیگیری هم‌زمان فعالیت‌های بهره‌بردارانه و اکتشاف‌گرایانه را به ارمغان می‌آورد. رهبران دوستوان، افرادی را در سازمان تربیت می‌نمایند که توانمندی‌های لازم برای انجام هم‌زمان فعالیت‌های متعارض و مکمل را کسب می‌کنند تا به این ترتیب فرآیند تحول سازمانی سرعت گرفته و در نهایت دوستوانی سازمانی تحقق یابد. نهادینه شدن رهبری دوستوان در سطوح مختلف مدیریت شرکت، تحول‌آفرینی، کارآفرینی و نوآوری را در پی خواهد داشت. به همین دلیل است که واژگان رهبری، کارآفرینی و نوآوری هم‌رخدادی جالب‌توجهی در متون مورد بررسی دارند.

● **کارآفرینی:** به دلیل این‌که در فضای کارآفرینی، حس کردن فرصت‌ها و ربایش آن‌ها از بالاترین اولویت برای رهبران کارآفرین برخوردار است؛ بنابراین حوزه موضوعی کارآفرینی هم‌بستگی حائز اهمیت با دیدگاه قابلیت‌های پویا و عناصر مفهومی آن دارد. علاوه بر این، در کارآفرینی می‌توان شناسایی فرصت‌های نوظهور بازار را به‌عنوان فعالیت‌های اکتشافی و استفاده از این فرصت‌ها را به‌عنوان فعالیت‌های بهره‌برداری در نظر گرفت که بر این اساس ارتباط کارآفرینی با دوستوانی سازمانی به خوبی روشن می‌گردد. این مفاهیم از چنان پیوند مستحکمی با یکدیگر برخوردار هستند که مطابق تئوری دوستوانی می‌توان جهت‌گیری کارآفرینانه و کارآفرینی استراتژیک را تحت عبارت فرآیندهای اکتشاف فرصت‌های جدید محیط کسب و کار و استفاده از این فرصت‌ها معرفی نمود. کارآفرینان همواره با این پارادوکس مواجه هستند که آیا باید به دنبال کشف فرصت‌های جدید بود یا اینکه همچنان فرصت‌های کشف‌شده ظرفیت بهره‌برداری دارند؟ این توضیحات را می‌توان، در پاسخ به چرایی پررخدادبودن واژه «کارآفرینی» در مستندات مورد بررسی در نظر داشت.

● **شبکه‌های همکاری:** شبکه‌سازی و شکل‌دهی همکاری‌های استراتژیک سبب می‌گردد که یک سازمان علاوه بر دارایی‌های خود امکان بهره‌برداری از منابع اعضای شبکه را نیز داشته باشد. این راه‌کار به‌نوعی یک

میان‌بر برای رویارویی با تحولات محیطی و انطباق با پویایی‌های بازار به‌شمار می‌رود. با توجه به ادبیات قابلیت‌های پویا و دوستوانی، شبکه‌های همکاری با تکیه بر اثر شبکه‌ای خود، فرآیند شناسایی فرصت‌های محیط کسب‌وکار و استفاده از این فرصت‌ها را تسهیل می‌نماید. همچنین این شبکه‌ها از طریق فراهم آوردن منابع جدید تا حدی پیکره‌بندی مجدد منابع موجود را شبیه‌سازی می‌نماید. در اختیار گرفتن قابلیت‌ها و شایستگی‌های حاصل از شبکه‌سازی مانند آن است که سازمان به اکتشاف پرداخته و دارای‌های جدیدی را جذب نموده است. بر همین اساس است که در شبکه هم‌واژگانی شاهد حضور عبارت‌های «شبکه» و «همکاری استراتژیک» هستیم.

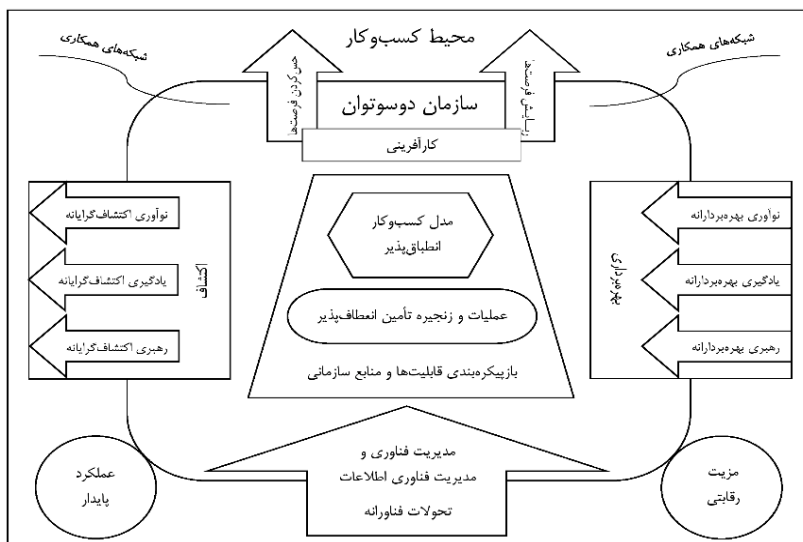
● **مدل کسب‌وکار:** در شرایطی که تمام توجه بنگاه به رصد کردن فرصت‌های نوظهور در بازار، استفاده از این فرصت‌ها و بازآرایی دارای‌های محسوس و نامحسوس خود معطوف است و همچنین درحالی که تمام تلاش کارکنان سازمان در بهره‌برداری از شایستگی‌های کنونی و اکتشاف شایستگی‌های جدید مصروف می‌گردد؛ توجه به مدل کسب‌وکار به‌عنوان قلب تپنده و اساس کسب درآمد بنگاه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. درواقع، مدل کسب‌وکار که منطق غالب و روح جاری در فعالیت‌های شرکت محسوب می‌گردد نه‌تنها از این تغییرات و تحولات مستثنا نیست، بلکه در رأس آن‌ها قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که در ادبیات حوزه قابلیت‌های پویا و دوستوانی شاهد تکرار عبارت‌هایی مانند تغییر مدل کسب‌وکار، بازطراحی مدل کسب‌وکار و بیشتر از همه نوآوری در مدل کسب‌وکار هستیم. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان بیان نمود که در جریان ایجاد قابلیت‌های پویا در بنگاه و در مسیر دوستوان‌سازی سازمان، طراحی یک مدل کسب‌وکار منعطف و پویا که همواره توانایی ایجاد نوآوری در خود را داشته باشد، برای انطباق و سازگاری با نوسانات محیط کسب‌وکار و درنتیجه بقا و موفقیت بسیار ضروری می‌نماید. به همین دلیل است که عبارت «مدل کسب‌وکار» در میان کلمات پررخداد ظاهر شده است و از هم‌وقوعی قابل‌توجهی با واژه نوآوری نیز برخوردار است.

● **عملیات و زنجیره تأمین:** اگر به قرابت معنایی «عملیات» و «زنجیره تأمین» با مفاهیمی نظیر فرآیند و رویه توجه شود، علت حضور این عبارات در فهرست موارد پررخداد مستخرج از متون مرتبط با حوزه قابلیت‌های پویا و دوستوانی کاملاً منکشف می‌گردد. درواقع، عملیات یکی از فعالیت‌های محوری سازمان به‌شمار می‌رود که بیشترین تأثیر را از دیدگاه قابلیت‌های پویا می‌پذیرد. همچنین زنجیره تأمین یکی از مصادیق اتم قابلیت‌هایی است که دوستوانی در آن نفوذ و ظهور می‌نماید. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، عبارت‌های زنجیره تأمین و دوستوانی هم‌رخدادی زیادی در میان متون موردبررسی داشته‌اند. این هم‌رخدادی‌ها، به مفهوم دوستوانی زنجیره تأمین یا زنجیره تأمین دوستوان اشاره دارد که می‌توان آن را در ردیف مفاهیم مهمی نظیر انعطاف زنجیره تأمین، تاب‌آوری^۱ زنجیره تأمین، چابکی زنجیره تأمین و پویایی

زنجیره تأمین قرار داد. زنجیره تأمین دوستوان یک قابلیت پویا محسوب می‌گردد که به سازمان توانایی سازگاری با جریان‌های آشفته محیط بیرونی را عطا می‌کند.

به‌منظور حصول درکی همه‌جانبه از توضیحات فوق می‌توان به شکل ۲ توجه نمود. با توجه به توضیحات ارائه‌شده در رابطه با طبقات مفهومی شناسایی‌شده، این شکل تصویری کلی از نقش و تعامل این طبقات مفهومی در هم‌رخدادی بین قابلیت‌های پویا و دوستوانی را ارائه می‌نماید. به‌بیان‌دیگر، این تصویر متضمن یک چارچوب مفهومی است که می‌توان از آن به‌عنوان بوم قلمرو معنایی مشترک بین ادبیات قابلیت‌های پویا و دوستوانی نام برد. در ساختار این قلمرو، هر یک از ۱۴ طبقه مفهومی شناسایی‌شده، به تصویر درآمده است؛ به‌طوری‌که در آن، ارتباط بین اجزاء نیز مورد دقت واقع شده است. این بوم بیان می‌کند:

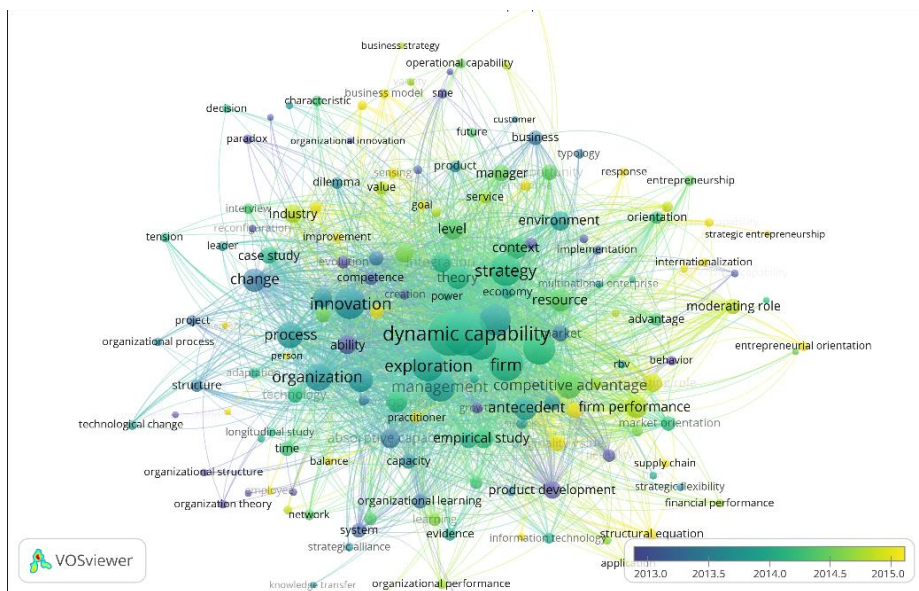
سازمانی که واجد قابلیت پویای دوستوانی است با اتخاذ رویکرد کارآفرینانه به دنبال حس کردن فرصت‌های محیط کسب‌وکار و استفاده از آن‌ها است و در این مسیر بر اساس جریان‌های نوآوری دوستوان، یادگیری دوستوان و رهبری دوستوان و همچنین شبکه‌های مختلف همکاری، بهره‌برداری از منابع موجود و اکتشاف منابع جدید را به‌صورت هم‌زمان مدنظر قرار می‌دهد. این‌گونه سازمانی علی‌رغم آن‌که به‌واسطه پویایی رقابتی بازار و تحولات فناورانه در محیط کسب‌وکار تحت فشار قرار می‌گیرد؛ اما با تکیه بر فناوری و به‌خصوص فناوری اطلاعات به بازبیکربندی منابع سازمانی پرداخته و به‌واسطه برخورداری از عملیات و زنجیره تأمین انعطاف‌پذیر، مدل کسب‌وکار پویایی دارد. چنین سازمانی با تکیه بر مزیت رقابتی و عملکرد پایدار که دوستوانی به‌عنوان یک قابلیت پویا برای آن به‌ارمغان می‌آورد، می‌تواند در محیط کسب‌وکار دائماً در حال تغییر به حرکت خود ادامه دهد.



شکل ۲. بوم قلمرو معنایی مشترک بین ادبیات قابلیت‌های پویا و دوستوانی

نتایج و یافته‌هایی که تا این قسمت از پژوهش ارائه گردیدند، در پاسخ به پرسش‌های ۱ و ۲ بوده است. در فرآیند استنتاج این یافته‌ها عمدتاً اهمیت یک عبارت از نظر تعداد رخداد، غنای مفهومی عبارات و همچنین ارتباط عبارات با یکدیگر در شبکه هم‌رخدادی مدنظر قرار داشته است. همچنین ارائه نتایج و یافته‌ها به خبره این زمینه مطالعاتی منجر به افزایش روایی آن‌ها شده است. در ادامه این بخش، برای پاسخ‌گویی به پرسش سوم می‌توان به شکل ۳ توجه نمود. ساختار شبکه به نمایش درآمده در این شکل دقیقاً مطابق شکل ۱ است. در این شکل، رنگ گره یک عبارت بر اساس میانگین سال انتشار پژوهش‌های حاوی آن عبارت که زیرمجموعه‌ای از مستندات مورد مطالعه هستند، تعیین شده است. بر اساس نوار زمانی این شکل، هر چه میانگین سال استفاده از یک عبارت در میان پژوهش‌های بررسی شده کمتر باشد، رنگ گره مربوطه به آبی نزدیک‌تر بوده و در مقابل هرچه این میانگین بیشتر باشد، رنگ گره به سمت زرد متمایل‌تر گشته است. همچنین در

جدول ۲ می‌توان در مقابل عبارات بسیار پررخدادی که پیش‌تر در جدول ۱ ارائه شدند، میانگین سال انتشار پژوهش‌های حاوی آن‌ها را نیز ملاحظه نمود.



شکل ۳. شبکه هم‌رخدادی عبارات پررخداد به همراه بعد زمان

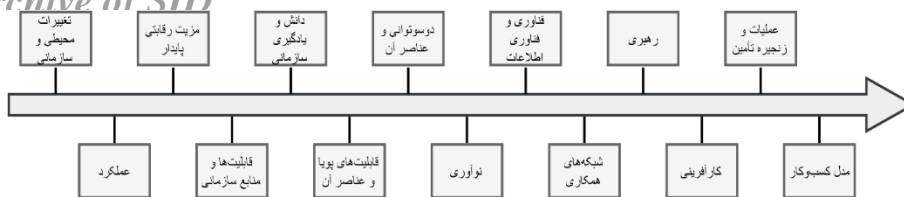
جدول ۲. عبارت‌های بسیار پررخداد به همراه میانگین سال انتشار پژوهش‌های حاوی آن‌ها

عبارت	APY	عبارت	APY	عبارت	APY*
development	2014.16	organization	2013.68	dynamic capability	2014.02
level	2014.35	process	2013.72	ambidexterity	2014.05
empirical study	2014.20	competitive advantage	2014.41	firm	2014.04
integration	2014.06	knowledge	2013.69	performance	2014.13
absorptive capacity	2013.40	change	2013.39	exploration	2013.89
environment	2013.81	antecedent	2013.83	innovation	2013.66
practice	2013.62	theory	2014.09	exploitation	2013.74
ability	2012.85	firm performance	2014.74	strategy	2014.11
company	2014.52	resource	2014.38	capability	2014.02
industry	2014.77	context	2014.24	management	2013.81

* Average Publication Year

با تکیه بر نتایج حاصل از شکل ۳ و

جدول ۲، در شکل ۴ می‌توان ترتیب زمانی طبقات مفهومی شناسایی شده را ملاحظه نمود. این شکل به خوبی تقدم و تأخر زمانی این طبقات را نسبت به یکدیگر در ادبیات مورد مطالعه نشان می‌دهد. با تأمل در این تصویر می‌توان دریافت که دیدگاه‌های قابلیت پویا و دوستوانی چگونه ریشه در موضوعاتی همچون دانش و یادگیری سازمانی، قابلیت‌ها و منابع سازمانی و سایر موارد دارند و همچنین می‌توان فهمید که موضوعاتی نظیر نوآوری، فناوری و فناوری اطلاعات و غیره به چه ترتیبی در ادبیات قابلیت‌های پویا و دوستوانی رسوخ نموده‌اند و یا این که تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند. علاوه بر این موارد، با استفاده از این شکل می‌توان موضوعاتی از قبیل مدل کسب‌وکار را که به تازگی وارد این حوزه مطالعاتی شده‌اند، تشخیص داده و به پژوهش پیرامون آن‌ها پرداخت. در واقع، این شکل سعی بر آن دارد که روند مطالعاتی در حوزه مشترک میان دو تئوری قابلیت‌های پویا و دوستوانی را نمایش دهد.



شکل ۴. روند مطالعاتی مشترک بین تئوری‌های قابلیت‌های پویا و دوستوانی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

محققان در مطالعه حاضر به دنبال آن بوده‌اند که کاربردپذیری تحلیل هم‌رخدادی واژگان را در بررسی قلمرو معنایی مشترک بین دو دیدگاه نظری مختلف نمایان سازند. علی‌رغم آنکه تحلیل هم‌رخدادی واژگان یکی از روش‌های بسیار محبوب، متداول و کاملاً شناخته‌شده در حوزه مدیریت اطلاعات به‌شمار می‌رود؛ اما ظاهراً پژوهشگران این حوزه نسبت به ظرفیت‌های این روش در تحلیل قلمرو معنایی مشترک میان دیدگاه‌های نظری مختلف کم‌توجه بوده‌اند؛ بنابراین محققان در این مختصر سعی نمودند تا اندکی از خلأ توجه اندیشمندان را نسبت به این قبیل از ظرفیت‌های تحلیل هم‌رخدادی واژگان بکاهند. آن‌ها برای دستیابی به‌منظور خود در این تحقیق، تحلیل‌های خود را در مورد مطالعات مرتبط با هر دو دیدگاه قابلیت‌های پویا و دوستوانی به کار بستند. درنهایت نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه نمایان ساخت که تحلیل هم‌رخدادی واژگان در بررسی اشتراک نظری دیدگاه‌های مختلف تا چه میزان می‌تواند سودمند واقع گردد. این‌گونه از تحلیل‌ها ما را با روندها و زمینه‌های پژوهشی جدیدی که در حیطه مشترک میان دو یا چند دیدگاه نظری پنهان مانده‌اند، آشنا می‌سازد. به‌عبارت‌دیگر، محققان متخصصی که به پژوهش پیرامون نظریه‌های خاص می‌پردازند، قطعاً با محدوده آن نظریه آشنا هستند؛ اما آیا آن‌ها از دانشی نیز که در اشتراک میان آن نظریه و دیدگاه یا دیدگاه‌های دیگر درحال توسعه است، مطلع‌اند؟ سهم پژوهشی این تحقیق از آن جهت است که می‌تواند به اندیشمندان فعال در حوزه‌های علمی مختلف برای پاسخ‌گویی مثبت به این سؤال و دیگر پرسش‌هایی از این قبیل کمک نماید.

به‌طور خلاصه باید بیان نمود که یافته‌های این پژوهش نمایان ساخت که در سطح کلان، زمینه مشترک قابلیت‌های پویا و دوستوانی با حوزه‌های مدیریت استراتژیک؛ مدیریت منابع انسانی و رفتار سازمانی؛ مدیریت عملیات و زنجیره تأمین؛ و مدیریت فناوری و مدیریت فناوری اطلاعات در ارتباط است. همچنین نتایج به‌دست‌آمده، مهم‌ترین توصیفگرهای مرتبط با این حوزه‌ها را که بیشتر از سایر موضوعات، تحت تأثیر دیدگاه‌های قابلیت‌های پویا و دوستوانی بوده‌اند، بیان نموده و این امکان را فراهم ساخت تا بر مبنای این توصیفگرها (طبقات مفهومی) ساختار قلمرو معنایی مشترک بین قابلیت‌های پویا و دوستوانی ترسیم گردد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت:

سازمانی که واجد قابلیت پویای دوستوانی است با اتخاذ رویکرد کارآفرینانه به دنبال حس کردن فرصت‌های محیط کسبوکار و استفاده از آن‌ها است و در این مسیر بر اساس جریان‌های نوآوری دوستوان، یادگیری دوستوان و رهبری دوستوان و همچنین شبکه‌های مختلف همکاری، بهره‌برداری از منابع موجود و اکتشاف منابع جدید را به‌صورت هم‌زمان مدنظر قرار می‌دهد. این‌گونه

سازمانی علی‌رغم آن‌که به‌واسطه پویایی رقابتی بازار و تحولات فناورانه در محیط کسب‌وکار تحت فشار قرار می‌گیرد؛ اما با تکیه بر فناوری و به‌خصوص فناوری اطلاعات به بازبیکربندی منابع سازمانی پرداخته و به‌واسطه برخورداری از عملیات و زنجیره تأمین انعطاف‌پذیر، مدل کسب‌وکار پویایی دارد. چنین سازمانی با تکیه بر مزیت رقابتی و عملکرد پایدار که دوستوانی به‌عنوان یک قابلیت پویا برای آن به ارمغان می‌آورد، می‌تواند در محیط کسب‌وکار دائماً در حال تغییر به حرکت خود ادامه دهد.

اگر تحقیق حاضر را به‌صورت توأمان هم از حیث مسئله پژوهشی و هم از نظر روش‌شناسی مدنظر قرار دهیم، کمتر مطالعه‌ای را می‌توان یافت که دقیقاً هم‌ارز با آن باشد؛ اما اگر فقط به جنبه روش‌شناسی توجه کنیم، تحقیقاتی یافت می‌شود که به‌صورت مجزا به‌مرور حوزه قابلیت‌های پویا (Albort-Morant et al. 2018; Batista Mota et al. 2017; Di Stefano, Peteraf, and Verona 2010; Fernandes et al. 2013; Vogel and Güttel 2017) یا دوستوانی (García-Lillo, Úbeda-García, and Marco- 2016; Lajara 2016; 2017; Nosella, Cantarello, and Filippini 2012; Popadić and Milohnić 2018; Snehrat et al. 2016) پرداخته‌اند و پژوهش حاضر از نظر روش تحقیق در ردیف آن‌ها قرار می‌گیرد. شایان‌ذکر است که مجموع نتایج این تحقیقات که فقط به یکی از این دو دیدگاه موردنظر توجه نموده‌اند، مشابهت قابل توجهی با یافته‌های این پژوهش دارد. همچنین اگر از جنبه روش‌شناسی صرف‌نظر نموده و فقط مسئله موردبررسی را در نظر بگیریم، این پژوهش در حوزه موضوعی مطالعاتی نظیر ارپلی و تاشمن (۲۰۰۸)، دوتا (۲۰۱۲)، برکینشاو، زیمرمن و ریش (۲۰۱۶) و جرکساین و پوندزین (۲۰۱۶) قرار می‌گیرد که از میان آن‌ها پژوهش ارپلی و تاشمن (۲۰۰۸) بیشترین قرابت را با تحقیق حاضر دارد. درباره محدودیت‌های این پژوهش باید اشاره نمود که اولاً این تحقیق تنها از روش هم‌رخدادی واژگان برای تحلیل محتوای داده‌های متنی استفاده نموده است؛ بنابراین کیفیت نتایج به‌دست‌آمده تحت تأثیر میزان کارایی این روش قرار دارد. ثانیاً اثربخشی رویکرد متن‌کاوی در این مطالعه زیر سایه تعداد کم پژوهش‌ها قرار گرفته است. درواقع، باوجود آن‌که در این پژوهش از تمام داده‌های موجود استفاده شده است، اما شاید این‌گونه به نظر برسد که تکرار چنین تحقیقی در آینده و در موقعیتی که تعداد مستندات مربوطه به‌اندازه کافی افزایش یابد، مفید بوده و منجر به ارتقای اثربخشی این‌گونه آثار تحقیقاتی شود. همچنین پیشنهاد می‌شود که از روش‌های دیگر متن‌کاوی و از سایر رویکردهای علم‌سنجی نیز بهره گرفته تا علاوه بر متن مربوط به‌عنوان، چکیده و کلیدواژه‌ها به تحلیل سایر اطلاعات کتاب‌شناختی تحقیقات نیز پرداخته شود. شایان‌ذکر است که با توجه به تحلیل‌های زمانی صورت پذیرفته در این پژوهش، می‌توان پیش‌بینی نمود که افق آینده تحقیقاتی که در قلمرو مشترک قابلیت‌های پویا و دوستوانی شکل می‌گیرند، بیشتر به سمت موضوعاتی نظیر مدل کسب‌وکار، مدیریت عملیات و زنجیره تأمین و کارآفرینی متمایل گردد. این پیش‌بینی می‌تواند ره‌نگاشتی برای مطالعات آتی در این حوزه قلمداد گردد.

فهرست منابع

- تلافی داریانی، مجتبی. ۱۳۹۸. بررسی کاربرد متن‌کاوی در شناسایی جهت‌گیری‌های پژوهشی یک حوزه مطالعاتی (مورد مطالعه: حوزه قابلیت‌های پویا). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: دانشکده مدیریت.
- تلافی داریانی، مجتبی، سید محمدحسین شجاعی و سید امین طاهری. ۱۳۹۷. مطالعه تطبیقی مسائل و گزینه‌های راهبردی در صنعت هوافضا با استفاده از متن‌کاوی اسناد سیاستی. *فصلنامه مدیریت نوآوری* ۷(۱): ۹۰ - ۵۷.
- حیدری، علی، و نادر سیدکلالی. ۱۳۹۵. ارائه مدل مزیت رقابتی شرکت‌های مشاوره مدیریت بر اساس نظریه قابلیت‌های پویا. *فصلنامه مدیریت بازرگانی* ۸(۲): ۳۳۸ - ۳۱۷.
- خطیر، اشکان، آزاده محبی، و سهیل گنجه فر. ۱۳۹۷. ارائه راهکاری خودکار بر اساس متن‌کاوی برای شناخت و تحلیل روند تحقیقات حوزه‌های علمی. *فصلنامه مدیریت اطلاعات* ۴(۱): ۱۲۰ - ۹۱.
- خلیلی جعفرآباد، احمد. ۱۳۹۶. بررسی تغییرات حوزه کیفیت داده با استفاده از تحلیل کلمات کلیدی. *فصلنامه مدیریت اطلاعات* ۳(۲): ۱۳۸ - ۱۲۱.
- سلطانی زرندی، زهره، محمدباقر نگهبان، و فاطمه مکی‌زاده. ۱۳۹۵. تحلیل هم‌واژگانی مقالات فارسی حوزه کشاورزی کرمان در نمایه استنادی علوم ایران با رویکرد ترسیم نقشه علمی. *فصلنامه مدیریت اطلاعات* ۲(۳و۴): ۹۶ - ۷۴.
- Albort-Morant, G., Leal-Rodríguez, A. L., Fernández-Rodríguez, V., and Ariza-Montes, A. 2018. Assessing the origins, evolution and prospects of the literature on dynamic capabilities: A bibliometric analysis. *European Research on Management and Business Economics* 24(1): 42-52.
- Batista Mota, F., Damasceno Pinto, C., Paranhos, J., and Hasenclever, L. 2017. Mapping the 'dynamic capabilities' scientific landscape, 1990-2015: A bibliometric analysis. *COLLNET Journal of Scientometrics and Information Management* 11(2): 309-324.
- Birkinshaw, J., Zimmermann, A., and Raisch, S. 2016. How do firms adapt to discontinuous change? Bridging the dynamic capabilities and ambidexterity perspectives. *California Management Review* 58(4): 36-58.
- Callon, M., Courtial, J. P., and Laville, F. 1991. Co-word analysis as a tool for describing the network of interactions between basic and technological research: The case of polymer chemistry. *Scientometrics* 22(1): 155-205.

- Cao, Q., Gedajlovic, E., and Zhang, H. 2009. Unpacking organizational ambidexterity: Dimensions, contingencies, and synergistic effects. *Organization Science* 20(4): 781-796.
- Cho, J. 2014. Intellectual structure of the institutional repository field: A co-word analysis. *Journal of Information Science* 40(3): 386-397.
- Di Stefano, G., Peteraf, M., and Verona, G. 2010. Dynamic capabilities deconstructed: A bibliographic investigation into the origins, development, and future directions of the research domain. *Industrial and Corporate Change* 19(4): 1187-1204.
- Ding, Y., Chowdhury, G. G., and Foo, S. 2001. Bibliometric cartography of information retrieval research by using co-word analysis. *Information Processing and Management* 37(6): 817-842.
- Dutta, S. K. 2012. Dynamic capabilities: Fostering ambidexterity. *SCMS Journal of Indian Management* 9(2): 81-91.
- Fernandes, C., Ferreira, J. J., Raposo, M. L., Estevão, C., Peris-Ortiz, M., and Rueda-Armengot, C. 2017. The dynamic capabilities perspective of strategic management: A co-citation analysis. *Scientometrics* 112(1): 529-555.
- García-Lillo, F., Úbeda-García, M., and Marco-Lajara, B. 2016. Organizational ambidexterity: Exploring the knowledge base. *Scientometrics* 107(3): 1021-1040.
- García-Lillo, F., Úbeda-García, M., and Marco-Lajara, B. 2017. Organisational ambidexterity: A literature review using bibliometric methods. *International Journal of Bibliometrics in Business and Management* 1(1): 3-25.
- Hajiheydari, N., Talafidaryani, M., Khabiri, S., and Salehi, M. 2019. Business model analytics: Technically review business model research domain. *Foresight* 21(6): 654-679.
- Jurksiene, L., and Pundziene, A. 2016. The relationship between dynamic capabilities and firm competitive advantage: The mediating role of organizational ambidexterity. *European Business Review* 28(4): 431-448.
- Nosella, A., Cantarello, S., and Filippini, R. 2012. The intellectual structure of organizational ambidexterity: A bibliographic investigation into the state of the art. *Strategic Organization* 10(4): 450-465.
- O'Reilly III, C. A., and Tushman, M. L. 2008. Ambidexterity as a dynamic capability: Resolving the innovator's dilemma. *Research in Organizational Behavior* 28: 185-206.
- Popadić, M., and Milohnić, I. 2016. Structure of the organizational ambidexterity field: Qualitative literature review, article co-citation analysis, and science mapping. *Informatologia* 49(1-2): 47-60.
- Raisch, S., and Birkinshaw, J. 2008. Organizational ambidexterity: Antecedents, outcomes, and moderators. *Journal of Management* 34(3): 375-409.
- Snehvrat, S., Kumar, A., Kumar, R., and Dutta, S. K. 2018. The state of ambidexterity research: A data mining approach. *International Journal of Organizational Analysis*. DOI: 10.1108/IJOA-06-2017-1182.
- Teece, D. J. 2018. Business models and dynamic capabilities. *Long Range Planning* 51(1): 40-49.
- Teece, D. J., Pisano, G., and Shuen, A. 1997. Dynamic capabilities and strategic management. *Strategic Management Journal* 18(7): 509-533.
- Van Eck, N. J., and Waltman, L. 2011. Text mining and visualization using VOSviewer. *ISSI Newsletter* 7(3): 50-54.
- Van Eck, N. J., and Waltman, L. 2014. Visualizing bibliometric networks. In *Measuring Scholarly Impact*, 285-320. Cham: Springer.
- Van Eck, N. J., Waltman, L., Dekker, R., and van den Berg, J. 2010. A comparison of two techniques for bibliometric mapping: Multidimensional scaling and VOS. *Journal of the American Society for Information Science and Technology* 61(12): 2405-2416.
- Vogel, R., and Güttel, W. H. 2013. The dynamic capability view in strategic management: A bibliometric review. *International Journal of Management Reviews* 15(4): 426-446.

- Wilhelm, H., Schlömer, M., and Maurer, I. 2015. How dynamic capabilities affect the effectiveness and efficiency of operating routines under high and low levels of environmental dynamism. *British Journal of Management* 26(2): 327-345.
- Yan, B. N., Lee, T. S., and Lee, T. P. 2015. Mapping the intellectual structure of the Internet of Things (IoT) field (2000-2014): A co-word analysis. *Scientometrics* 105(2): 1285-1300.
- Zimmermann, A., Raisch, S., and Cardinal, L. B. 2018. Managing persistent tensions on the frontline: A configurational perspective on ambidexterity. *Journal of Management Studies* 55(5): 739-769.

Application of Word Co-Occurrence Analysis in Exploring the Shared Semantic Territory between Two Theoretical Views: A Study of Dynamic Capabilities and Ambidexterity

Mojtaba Talafidaryani

Master of Business Administration, Department of Business Management, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

Ali Heidari

Assistant Prof., Department of Business Management, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran¹.

Nastaran Hajiheydari

Associate Prof., Department of Business Management, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract: Word co-occurrence analysis is one of the text-mining methods that has various applications in the information management area. One of these applications, which has been less noticeable, is exploring the shared semantic territory between different theoretical views. The importance of this application is due to the formation of recent scientific trends of various research areas based on different theories and concepts. Accordingly, the current study attempts to reveal the applicability of word co-occurrence analysis in exploring the shared semantic territory between two theoretical views. To this end, the dynamic capabilities and ambidexterity views were chosen as the case of this study. Dynamic capabilities and ambidexterity have had a notable co-occurrence in recent strategic management studies to the extent that researchers considered them as two integrable views. Accordingly, this study aims at exploring the structure of shared semantic territory between dynamic capabilities and ambidexterity. To this end, all scientific documents related to both theories, indexed in the Web of Science or Scopus databases, and dated to 2018 were retrieved. Then, the authors analysed the corpus composed of titles, abstracts, and keywords of collected documents by using the word co-occurrence analysis. By doing so, they introduced 14 main conceptual categories in the shared territory of these two views: 1) dynamic capabilities and their components, 2) ambidexterity and its components, 3) performance, 4) innovation, 5) organizational capabilities and resources, 6) sustainable competitive advantage, 7) organizational knowledge and learning, 8) environmental and organizational change, 9) technology and information technology, 10) leadership, 11) entrepreneurship, 12) collaboration networks, 13) business model, and 14) operations and supply chain. Also, according to the word temporal analysis, research trends among the conceptual categories were revealed. Based on these trends, it is expected that further studies in the shared semantic territory between dynamic capabilities and ambidexterity will probably tend to subjects in the fields of business model, operations and supply chain, or entrepreneurship.

Keywords: Ambidexterity, Co-Occurrence of Theoretical Views, Dynamic Capabilities, Text-Mining, Word Co-Occurrence Analysis.